

تحلیل و بررسی علمی، کاربردی دیه مقدر اعضاء از منظر فقه و قانون بخش سوم: دیه زبان و دندان



حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر محمد مصدق، عضو هیئت علمی دانشگاه و قاضی دیوان عالی کشور

چکیده

از موضوعات مهم و پیچیده در نظام قضایی، تعیین صحیح میزان دیه است. در این بین محاسبه دیه دندان که احکام متعددی دارد امری مهم و قابل توجه است. قانون‌گذار نیز مواد قانونی متعددی را به این موضوع اختصاص داده است. در این مقاله علاوه بر دیه زبان به دیه دندان نیز پرداخته خواهد شد. در این نوشتار مواد ۶۱۱ تا ۶۲۵ قانون مجازات اسلامی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است و مسائل مختلف فقهی، حقوقی و قضایی هر یک از مواد مربوط بیان شده است. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و توجه به رویه قضایی به شرح و تحلیل مواد قانونی می‌پردازد و احکام و مسائل قضایی هر یک از مواد قانونی را بیان می‌کند.



گفتار اول: دیه زبان

نخستین گفتار این نوشتار به دیه زبان اختصاص دارد که هر یک از مواد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- ماده ۶۱۱ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «قطع و یا از بین بردن تمام زبان گویا موجب دیه کامل است و دیه از بین بردن قسمتی از آن به نسبت گویایی از بین رفته است که با تقسیم تمام دیه به حروف محاسبه می‌شود.

تبصره ۱- دیه از بین بردن ادای هر حرف با توجه به حروف زبان تکلم مجنی‌علیه تعیین می‌شود مانند اینکه از بین بردن قدرت ادای یک حرف شخص فارسی‌زبان، یک‌سی‌ودوم دیه کامل است.

تبصره ۲- شخصی که دارای لکنت زبان است و یا به کندی یا تندى سخن می‌گوید یا برخی از حروف را نمی‌تواند تلفظ کند، گویا محسوب می‌شود».

حکم مشابه ماده فوق در مواد ۳۹۶ و ۳۹۹ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) بیان شده بود که مقرر می‌داشت:

ماده ۳۹۶: «از بین بردن تمام زبان سالم یا لال کردن انسان سالم یا ضربه مغزی و مانند آن دیه کامل دارد و بریدن تمام زبان لال ثلث دیه کامل خواهد بود».

ماده ۳۹۹: «هرگاه مقداری از زبان را کسی قطع کند که باعث از بین رفتن قدرت ادای مقداری از حروف باشد و دیگری مقدار دیگر را که باعث از بین رفتن مقداری از باقی حروف گردد دیه به نسبت از بین رفتن قدرت ادای حروف می‌باشد».

اما ماده جدید در مقام بیان چند حکم است:

نخست آنکه، قطع و یا از بین بردن تمام زبان گویا موجب دیه کامل است؛

دوم اینکه، دیه از بین بردن قسمتی از آن به نسبت گویایی از بین رفته است

که با تقسیم تمام دیه به حروف محاسبه می‌شود؛

سوم، دیه از بین بردن ادای هر حرف با توجه به حروف زبان تکلم مجنی‌علیه تعیین می‌شود؛ مانند اینکه از بین بردن قدرت ادای یک حرف شخص فارسی‌زبان، یک‌سی‌ودوم دیه کامل است؛

چهارم، شخصی که دارای لکنت زبان است و یا به کندی یا تندى سخن می‌گوید یا برخی از حروف را نمی‌تواند تلفظ کند، گویا محسوب می‌شود.

بر اساس این ماده، تعیین دیه برای بریدن زبان به اعتبار از بین رفتن حروف صورت می‌گیرد نه به اعتبار مساحت زبان؛ مثلاً اگر یک‌چهارم زبان قطع شود و مجنی‌علیه نصف حروف را نتواند ادا کند دیه آن نصف دیه کامل خواهد بود و زمانی که بین جانی و مجنی‌علیه در اینکه پیش از جنایت زبان سالم بوده یا معیوب اختلاف ایجاد شود، دو احتمال است:

نخست، اصل برائت است و حرف جانی مقدم است؛

دوم، اصل سلامت زبان است و حرف مجنی‌علیه مقدم است. از طرفی سلامت زبان از اموری است که می‌توان اثبات کرد. همچنین اگر جانی ادعا کند که زبان مجنی‌علیه پس از آنکه سالم بوده دچار عیب شده است و اختلاف به وجود آید، احتمال برگزیدن سخن مجنی‌علیه بیشتر است.

باید توجه داشت اگر مجنی‌علیه ادعا کند که قدرت ادای تمام یا مقداری از حروف را از دست داده است و جانی منکر آن باشد، دو نظر قابل ارائه است:

نخست، مجنی‌علیه باید قسامه جاری کند؛ دوم، به زبان مجنی‌علیه سوزن زده می‌شود و اگر خون سیاه بیاید سخن مجنی‌علیه پذیرفته می‌شود و اگر خون سرخ بیاید سخن جانی مقدم است. هر دو احتمال

پیش گفته در صورتی است که از راه پزشکی قانونی نتوان واقعیت را احراز کرد و هر زمان کذب مجنی‌علیه ثابت شد دیه مسترد می‌شود.

۲- ماده ۶۱۲ بیان می‌دارد: «قطع و از بین بردن تمام زبان لال موجب یک‌سوم دیه کامل است و از بین بردن مقدار از آن، موجب همان مقدار دیه به نسبت مساحت تمام زبان است.

تبصره- لال اعم از مادرزادی و عارضی است لکن کسی که به واسطه عارضه‌ای به‌طور موقت قادر به سخن گفتن نیست، گویا محسوب می‌شود».

سابقه تقنینی این ماده عبارت است از: بخشی از ماده ۳۹۶ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) که مقرر می‌داشت: «بریدن تمام زبان لال، ثلث دیه کامل خواهد بود».

و ماده ۳۹۷ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) که آورده بود: «از بین بردن مقداری از زبان لال موجب دیه همان مقدار با رعایت نسبت به تمام زبان خواهد بود».

در حال حاضر این ماده در مقام بیان چند حکم است:

نخست، قطع و از بین بردن تمام زبان لال موجب یک‌سوم دیه کامل است؛

دوم، از بین بردن مقداری از زبان، موجب همان مقدار دیه به نسبت مساحت تمام زبان است؛

سوم، لال اعم از مادرزادی و عارضی است؛ چهارم، کسی که به واسطه عارضه‌ای به‌طور موقت قادر به سخن گفتن نیست، گویا محسوب می‌شود.

نکته مهم اینکه مشابه حکم مندرج در تبصره ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) در قانون سابق وجود نداشت و قانون‌گذار با وضع این تبصره منظور خود را از شخص لال تبیین کرده است تا از بروز اختلاف احتمالی جلوگیری شود. ۳- قانون‌گذار در ماده بعدی (ماده ۶۱۳)



بیان می‌دارد: «هرگاه شخصی مقداری از زبان کسی را قطع کند و موجب از بین رفتن قدرت ادای تعدادی از حروف گردد و شخص دیگری مقداری دیگر از زبان او را قطع کند و موجب از بین رفتن قدرت ادای تعداد دیگری از حروف شود هر شخص به نسبت تعداد حروفی که قدرت ادای آنها را از بین برده است ضامن می‌باشد».

حکم این ماده تکرار حکم مذکور در ماده ۳۹۹ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) است که مقرر می‌داشت: «هرگاه مقداری از زبان را کسی قطع کند که باعث از بین رفتن قدرت ادای مقداری از حروف باشد و دیگری مقدار دیگر را که باعث از بین رفتن مقداری از باقی حروف گردد دیه به نسبت از بین رفتن قدرت ادای حروف می‌باشد». پیرامون این ماده باید گفت: به موجب این ماده اگر کسی مقداری از زبان دیگری را قطع کند؛ به گونه‌ای که مجنی‌علیه نتواند یک‌سوم از حروف را تلفظ کند و شخص دیگری هم مقداری از زبان را قطع کند؛ به نحوی که قدرت بر تلفظ حروف باقی‌مانده نیز از بین برود، هر شخص به نسبت تعداد حروفی که قدرت ادای آنها را از بین برده ضامن است.

چنانچه کسی به‌صورت مادرزاد یا بر اثر بیماری قدرت تکلم دوسوم از حروف را نداشته باشد و شخص دیگری مقداری از زبان او را قطع کند؛ به نحوی که قدرت بر تلفظ حروف باقی‌مانده نیز از بین برود این شخص به نسبت تعداد حروفی که قدرت ادای آنها را از بین برده ضامن است.

۴- مقنن در ماده ۶۱۴ اشعار می‌دارد: «قطع و از بین بردن تمام زبان کودکی که زمان سخن گفتن او فرا نرسیده، موجب دیه کامل است لکن اگر بعداً معلوم شود که لال بوده است، مازاد بر یک‌سوم دیه مسترد می‌شود».

ماده ۴۰۰ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰)

در حکمی مشابه ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی جدید چنین مقرر کرده بود: «بریدن زبان کودک قبل از حد سخن گفتن موجب دیه کامل است».

علت اینکه قطع زبان کودک پیش از رسیدن به حد سخن گفتن دیه کامل دارد آن است که اصل بر صحیح و سالم بودن و استعداد و صلاحیت صحبت کردن در آینده کودک است و نیازی به اماراتی همچون حرکت دادن زبان یا گریه کردن نیست.

۵- به موجب ماده ۶۱۵ قانون مذکور: «هرگاه قسمتی از زبان کودکی که زمان سخن گفتن او فرا نرسیده است قطع شود به میزان نسبت مساحت قطع شده، دیه پرداخت می‌شود لکن اگر بعداً معلوم شود که کودک لال بوده است دوسوم آن مسترد می‌گردد و چنانچه معلوم شود که گویا بوده است، در صورتی که دیه حروف از بین رفته از دیه نسبت گویایی از بین رفته بیشتر باشد مابه‌التفاوت آن باید پرداخت شود».

ماده ۴۰۱ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) به‌عنوان پیشینه قانونی ماده ۶۱۵ قانون مجازات اسلامی جدید چنین مقرر کرده بود: «بریدن زبان کودکی که به حد سخن گفتن رسیده ولی سخن نمی‌گوید ثلث دیه دارد و اگر بعداً معلوم شود که زبان او سالم و قدرت تکلم داشته دیه کامل محسوب و بقیه از جانی گرفته می‌شود».

این ماده در مقام بیان چند حکم است: نخست، هرگاه قسمتی از زبان کودکی که زمان سخن گفتن او فرا نرسیده است قطع شود به میزان نسبت مساحت قطع شده، دیه پرداخت می‌شود؛

دوم، اگر بعداً معلوم شود که کودک لال بوده است، دوسوم دیه پرداخت شده مسترد می‌شود؛ سوم، چنانچه بعداً معلوم شود که کودک

گویا بوده است، در صورتی که دیه حروفی که از بین رفته است از دیه نسبت گویایی زایل شده بیشتر باشد، مابه‌التفاوت آن باید پرداخت شود.

باید توجه داشت ملاک در پرداخت میزان دیه، مساحت زبان نیست، بلکه میزان آن با تقسیم تمام دیه به حروف محاسبه می‌شود؛ در عین حال قانون‌گذار در خصوص قطع شدن زبان کودکی که زمان سخن گفتن او فرا نرسیده است، مساحت را ملاک دانسته و مقرر داشته است: هرگاه قسمتی از زبان کودکی که زمان سخن گفتن او فرا نرسیده است قطع شود به میزان نسبت مساحت قطع شده، دیه پرداخت می‌شود.

گفتار دوم- دیه دندان

در این گفتار به دیه دندان و احکام مترتب بر آن پرداخته خواهد شد.

۱- ماده ۶۱۶ بیان می‌دارد: «از بین بردن تمام دندان‌های دائم بیست و هشت‌گانه دیه کامل دارد که به‌ترتیب زیر توزیع می‌شود:

الف- دندان‌های جلو که عبارتند از: پیش، چهارتایی و نیش که از هر کدام دو عدد در بالا و دو عدد در پایین می‌روید و جمعاً دوازده عدد است، هر کدام یک‌بیستم دیه کامل دارد.

ب- دندان‌های عقب که در چهار سمت پایانی از بالا و پایین در هر کدام یک ضاحک و سه ضرس قرار دارد و جمعاً شانزده عدد است، هر کدام یک‌چهلیم دیه کامل دارد».

حکم مشابه ماده فوق در ماده ۴۰۳ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) بدین نحو پیش بینی شده بود: «از بین بردن تمام دندان‌های بیست و هشت‌گانه دیه کامل دارد و به ترتیب زیر توزیع می‌شود:

۱- هر یک از دندان‌های جلو که عبارتند از پیش و چهارتایی و نیش که از هر کدام دو عدد در بالا و دو عدد در پایین می‌روید



نیز ندارد؛ زیرا ارش و جریمه در مقابل نقص است؛

دوم، هرگاه در کندن دندان زائد نقصی حاصل نشود، لکن جراحی به وجود آید، برای جراحی مزبور ارش ثابت است؛

سوم، هرگاه در مورد اینکه دندان کنده شده اصلی است یا زائد تردید وجود داشته باشد و با رجوع به کارشناس زائد یا اصلی بودن آن مشخص نشود، اقل الامرین از دیه دندان اصلی و ارش دندان زائد پرداخت می‌شود.

منظور از «اقل الامرین» آن است که ابتدا با فرض اینکه دندان کنده شده اصلی بوده دیه آن تعیین می‌شود و سپس با فرض دندان اضافی بودن آن، ارش مشخص می‌شود و در مقایسه این دو، هر یک کمتر باشد مورد حکم قرار می‌گیرد.

باید توجه داشت دندان عقل نیز از جمله دندان‌های زائد است.

۳- ماده ۶۱۸ اشعار می‌دارد: «هرگاه دندان‌های اصلی دائمی از بیست و هشت عدد کمتر باشد به همان نسبت از دیه کامل کاهش می‌یابد خواه خلقتاً کمتر باشد یا در اثر عارضه‌ای کم شده باشد».

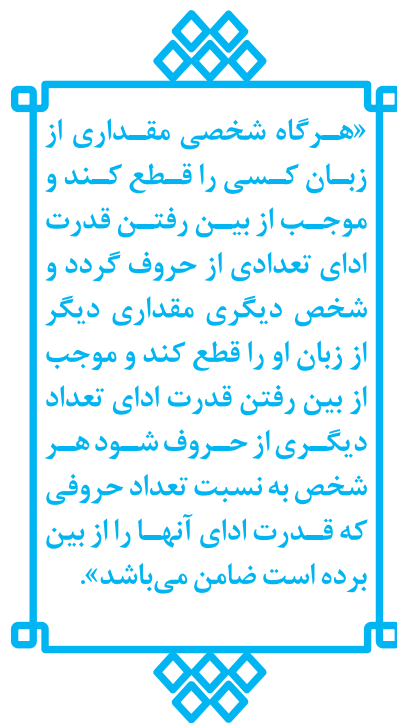
این ماده تکرار ماده ۴۰۵ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) است که مقرر می‌داشت: «هرگاه دندان‌ها از بیست و هشت تا کمتر باشد به همان نسبت از دیه کامل کاهش می‌یابد خواه خلقتاً کمتر باشد یا در اثر عارضه‌ای کم شده باشد».

پیرامون این ماده باید گفت: چنانچه دندانی به‌صورت شکسته یا معیوب وجود داشته باشد مشمول حکم این ماده نیست.

۴- ماده ۶۱۹ بیان می‌دارد: «در میزان دیه تفاوتی میان دندان‌هایی که رنگ‌های گوناگون دارند وجود ندارد و اگر دندانی در اثر جنایت سیاه شود و نیفتد، دیه آن دوسوم دیه همان دندان است و دیه دندانی که قبلاً سیاه شده است، یک‌سوم دیه همان دندان است.

تبصره ۱- هرگاه در کندن دندان زائد نقصی حاصل نشود لکن جراحی به‌وجود آید، برای جراحی مزبور ارش ثابت است.

تبصره ۲- هرگاه در مورد اینکه دندان کنده شده اصلی است یا زائد، تردید وجود داشته باشد و با رجوع به کارشناس، زائد یا اصلی بودن آن مشخص نشود، اقل الامرین از دیه دندان اصلی و ارش دندان زائد پرداخت می‌شود».



حکم مشابه ماده ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی جدید در ماده ۴۰۴ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) بدین نحو پیش‌بینی شده بود: «دندان‌های اضافی به هر نام که باشد و به هر طرز که روییده شود دیه‌ای ندارد و اگر در کندن آنها نقصی حاصل شود تعیین مقدار ارش آن با قاضی است و اگر هیچ‌گونه نقصی حاصل نشود ارش نخواهد داشت ولی به‌نظر قاضی تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود».

با توجه به این ماده اگر در کندن دندان‌های اضافی نقصی حاصل شود، ارش ثابت است و اگر هیچ‌گونه نقصی حاصل نشود ارش

و جمعاً دوازده تا خواهد بود پنجاه دینار و دیه مجموع آنها ششصد دینار می‌شود؛

۲- هر یک از دندان‌های عقب که در چهار سمت پایانی از بالا و پایین در هر کدام ضاحک و سه ضرس قرار دارد و جمعاً شانزده تا خواهد بود، بیست و پنج دینار و دیه مجموع آنها چهارصد دینار می‌شود».

در این ماده حکم پرداخت دیه دندان‌ها را به این صورت مقرر می‌دارد:

نخست، از بین بردن تمام دندان‌های دائم بیست و هشت‌گانه دیه کامل دارد؛

دوم، دندان‌های جلو که عبارتند از پیش، چهارتایی و نیش که از هر کدام دو عدد در بالا و دو عدد در پایین می‌روید و جمعاً دوازده عدد است، هر کدام یک‌بیستم دیه کامل دارد؛

سوم، دندان‌های عقب که در چهار سمت پایانی از بالا و پایین در هر کدام یک ضاحک و سه ضرس قرار دارد و جمعاً شانزده عدد است، هر کدام یک‌چهلیم دیه کامل دارد.

سوآلی که در این خصوص مطرح می‌شود این است که آیا بزه ایراد ضرب و جرح منتهی به شکستگی یا افتادن دندان واجد جنبه عمومی است و می‌توان مستند به ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ مرتکب را به حبس محکوم کرد؟

به نظر می‌رسد شکستن یا از بین بردن دندان نقص عضو محسوب می‌شود و می‌تواند با رعایت سایر مقررات مشمول حکم ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ شود.

۲- ماده ۶۱۷ بیان می‌دارد: «دندان‌های اضافی به هر نام که باشد و به هر نحو که روییده باشد اگر در کندن آنها نقصی حاصل شود، ارش ثابت می‌گردد و اگر هیچ‌گونه نقصی حاصل نشود ارش نیز ندارد.



تبصره- در تغییر رنگ دندان بدون آنکه سیاه شود یا منفعت آن از بین برود، ارش ثابت است و اگر پس از آن شخصی دندان مزبور را بکند، باید دیه کامل همان دندان را بدهد».

ماده ۴۰۶ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) در حکمی مشابه ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی جدید مقرر کرده بود: «فرقی میان دندان‌هایی که دارای رنگ‌های گوناگون می‌باشد نیست و اگر دندانی در اثر جنایت سیاه شود و نیفتد دیه آن دو ثلث دیه همان دندان است که سالم باشد و دیه دندانی که قبلاً سیاه شده ثلث همان دندان سالم است».

با توجه به این ماده در میزان دیه تفاوتی میان دندان‌هایی که رنگ‌های گوناگون دارند وجود ندارد و چنانچه دندانی در اثر جنایت سیاه شود و نیفتد دیه آن دوسوم دیه همان دندان است؛ همچنین دیه دندانی که قبلاً سیاه شده است یک‌سوم دیه همان دندان است. در تغییر رنگ دندان بدون آنکه سیاه شود یا منفعت آن از بین برود، ارش ثابت است و در نهایت اگر پس از تغییر رنگ، شخصی دندان را بکند، باید دیه کامل همان دندان را بدهد.

در شمول حکم این ماده میان دندان‌های کوچک و بزرگ، لق و محکم و یا دندان‌های کامل و ناقص تفاوتی وجود ندارد و البته منظور از سیاهی دندان، فساد دندان است و سیاهی موضوعیت ندارد.^(۱)

پرسش قابل طرح اینکه در پرونده‌ای قسمتی از تاج دندان فردی در اثر تصادف رانندگی شکسته و مابقی دندان در اثر شکستن سیاه شده است. پزشکی قانونی با ذکر موضوع اعلام داشته طبق دستورالعمل‌های پزشکی قانونی، موضوع مشمول ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی است و شکستن قسمتی از دندان دیه‌ای ندارد. حال پرسش‌های زیر مطرح است:

نخست، آن قسمت از ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی که بیان می‌دارد: «اگر دندانی در اثر جنایت سیاه شود و نیفتد دیه آن دوسوم دیه همان دندان است» در صدد تعیین دیه سیاه شدن دندان است یا مربوط به تعیین دیه برای دندان سیاه شده در اثر جنایت است؟ توضیح اینکه احتمالاً به قرینه قسمت اخیر ماده فوق، دوسوم دیه دندان در واقع دیه دندان سیاه شده است تا اگر بعداً قسمتی از این دندان شکست، دیه آن به نسبت از دوسوم دیه دندان اصلی تعیین شود و چنانچه دندان به علتی غیر از جنایت سیاه شده باشد و قسمتی از آن بشکند، دیه آن از مأخذ یک‌سوم محاسبه می‌شود و اگر به کلی از بین برود، به‌طور کلی یک‌سوم دیه دندان سالم به آن تعلق می‌گیرد.

دوم، در فرض سؤال دیه چگونه تعیین می‌شود؟ آیا صرفاً دو سوم دیه دندان به علت سیاه شدن تعیین می‌شود و دیه شکستن آن در سیاه شدن تداخل می‌کند یا اینکه با محاسبه قسمتی که شکسته است از کل مساحت دندان مثلاً چهار درصد از دوسوم دیه دندان اصلی با رعایت مواد ۶۱۹ و ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی مورد حکم قرار خواهد گرفت و یا اینکه علاوه بر تعیین دیه قسمت شکسته، دیه سیاه شدن هم تعیین خواهد شد؟

در پاسخ باید گفت: مستفاد از مواد ۵۴۱ و ۵۴۳ قانون مجازات اسلامی، دیه شکستن دندان با سیاه شدن همان دندان تداخل نمی‌کند؛ زیرا شکستگی دندان و سیاه شدن آن عرفاً دو نوع آسیب متفاوت محسوب می‌شود؛ بنابراین در صورتی که تاج دندان‌های اول بالا یا پایین بر اثر جنایتی شکسته باشد و مثلاً طبق نظریه پزشکی قانونی مقدار شکستگی هفتاد درصد دندان جلو باشد و بر اثر

آن سی درصد مابقی دندان نیز سیاه شده باشد؛ طبق بند «الف» ماده ۱۶۶ قانون مجازات اسلامی به ضمیمه تبصره ۱ ماده ۶۲۲ همین قانون برای شکسته شدن هفتاد درصد دندان جلو، باید هفتاد درصد یک‌بیستم دیه کامل محاسبه شود و برای سیاه شدن سی درصد بقیه دندان، بر اساس ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی سی درصد از دوسوم دیه همان دندان (یک‌بیستم) محاسبه شود؛ اما در فرضی که دندان مجنی‌علیه ابتدا بر اثر جنایتی سیاه شود و نیفتد و سپس بر اثر جنایت دیگر همان دندان بشکند؛ به غیر از دیه سیاه‌شدگی دندان که طبق ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی مجنی‌علیه مستحق آن است، برای شکستگی نیز جداگانه ارش تعیین می‌گردد.

۵- ماده ۶۲۰ بیان می‌دارد: «ایجاد ترک یا لق کردن دندان هرگاه در حکم از بین بردن آن باشد، موجب دیه همان دندان و در غیر این صورت موجب ارش است».

مشابه حکم ماده ۶۲۰ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) در قانون سابق وجود نداشت.

به موجب این ماده هر چند که در فقه برای ایجاد درد در دندان، دوسوم دیه یا ارش تعیین شده است، اما اطلاق این ماده اعم از آن است که ایراد صدمه به دندان موجب ایجاد درد نیز بشود یا آنکه چنین اثری را در پی نداشته باشد.

پیش از تصویب قانون مجازات جدید نیز رویه قضایی بر همین حکم استوار بود. اداره حقوقی قوه قضاییه به موجب نظریه مشورتی شماره ۷/۱۵۸ مورخ ۱۳۷۱/۴/۲۳ در خصوص دیه یا ارش لق شدن دندان اعلام داشته بود: «دیه لق شدن دندانی که منجر به کشیدن آن شود، دیه از بین رفتن است و اگر قابل معالجه باشد ارش باید تعیین گردد».



را مورد نظر قرار داده و قانون گذار بیان داشته که اگر دندانی قبلاً سیاه شده باشد دیه آن یک سوم دیه یک دندان معمولی است، ولی فرض پوسیدگی را بیان نکرده و مشخص نیست که آیا دیه دندان پوسیده با دیه دندان سالم یکی است؟ آیا مشابه همین فرض در استخوان‌های دیگر اعضای بدن قابل تصور است. به عنوان مثال، کسی به بیماری پوکی استخوان مبتلا است و اگر یک ضربه کوچک به او وارد شود ممکن است استخوان وی بشکند، اگر دارای پوکی استخوان نبود با این ضربه استخوانش نمی شکست. حال اگر کسی استخوان فرد دارای پوکی استخوان را بشکند، آیا باید دیه کامل بدهد یا به همان نسبت از دیه استخوان کسر می شود؟

به نظر می رسد در این خصوص نخست، مبتنی بر اطلاق عبارات فقیهان، اطلاق ماده ۶۲۲ و ملاک مواد ۶۱۹ و ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی می توان نتیجه گرفت که دیه شکستگی دندان پوسیده همان دیه شکستگی دندان سالم است؛ به شرطی که پوسیدگی دندان به حدی نباشد که سیاه شده باشد؛ هرچند رنگ آن تغییر نموده باشد و یا دندان بر اثر پوسیدگی در حکم از بین رفتن نباشد و یا با وجود پوسیدگی، منفعت آن از بین نرفته باشد؛ هرچند لقمه شده یا ترک خورده باشد؛ بنابراین بر اساس تبصره ۱ ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی اگر بر اثر جنایتی یک سوم قسمت نمایان دندان پوسیده شخصی با بقای ریشه بشکند، دیه آن یک سوم دیه همان دندان خواهد بود.

دوم، مبتنی بر اطلاق عبارات فقیهان و اطلاق مواد ۵۶۹، ۶۴۷، ۶۵۳ و ۶۵۶ قانون مجازات اسلامی که در خصوص دیه شکستگی استخوان مقرر شده است از جهت دیه تفاوتی بین استخوان سالم یا استخوانی که دچار درصدی پوکی باشد

دیه کامل آن دندان را دارد و اگر بعد از شکستن مقدار مزبور کسی بقیه را از ریشه بکند جریمه آن با نظر حاکم تعیین می شود خواه کسی که بقیه را از ریشه کنده همان کسی باشد که مقدار نمایان دندان را شکسته یا دیگری.

پیرامون این ماده باید گفت: شکستن آن مقدار از دندان که نمایان است با بقای ریشه، دیه همان دندان را دارد و اگر کسی بعد از شکستن مقدار مزبور ریشه را بکند؛ خواه مرتکب کسی باشد که مقدار نمایان دندان را شکسته است یا دیگری، ارش تعیین می شود؛

همچنین، شکستن مقداری از قسمت نمایان دندان، به همان نسبت دیه دارد و دیگر آنکه، هرگاه قسمتی از دندان کنده شده در اثر جنایت یا عارضه‌ای قبلاً از بین رفته باشد، به همان نسبت از دیه دندان کاهش می یابد.

دندانی که عصب کشی شده و عصب آن از بین رفته باشد یا قسمت نمایان دندان خالی و با مواد دیگری پر شده باشد نیز مشمول این ماده است.^(۱)

برای آن مقدار از قسمت نمایان دندان که شکسته شده است به نسبت مساحت قسمت شکسته شده محاسبه می شود.

پرسش قابل طرح اینکه فردی با ایراد ضربه مشت به دهان شخصی دیگر، موجب شده است یک سوم یک دندان ایشان بشکند. پزشکی قانونی اعلام کرده است که شکستگی دندان مصدوم در زمینه پوسیدگی شدید قبلی بوده و این ضربه جانی در شکستن آن مؤثر بوده است. آیا جانی باید دیه یک سوم دندان مصدوم را به صورت کامل پرداخت کند و یا بایستی پوسیدگی قبلی دندان مصدوم نیز لحاظ شود و به همین نسبت از دیه کسر شود و با توجه به اینکه ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی یک فرض شامل سیاه شدگی دندان

۶- ماده ۶۲۱ اشعار می دارد: «کندن دندان لقمه یا ترک خورده که منفعت آن باقی است، موجب دیه همان دندان و در غیر این صورت موجب ارش است».

متناظر ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی جدید در قانون سابق وجود نداشت و برابر این ماده، کندن دندان لقمه یا ترک خورده که منفعت آن باقی است، موجب دیه همان دندان است و کندن دندان لقمه یا ترک خورده که منفعت آن باقی نباشد، موجب ارش است.

اطلاق این ماده اعم از آن است که لقمه شدن یا ترک خوردگی دندان بر اثر جنایت قبلی بوده و مجنی علیه دیه جنایت قبلی را اخذ کرده باشد یا اینکه شخصی دندان مجنی علیه را لقمه کند و دیگری آن را بکند. این سؤال نیز به ذهن می رسد که چنانچه مقداری از منفعت دندان لقمه باقی باشد و بخشی از بین برود، تکلیف چیست؟

در پاسخ باید گفت فرض پرسش نیز مشمول این ماده خواهد بود؛ البته برداشت مخالفی هم می توان داشت.

۷- ماده ۶۲۲ اشعار می دارد: «شکستن آن مقدار از دندان که نمایان است با بقای ریشه، دیه همان دندان را دارد و اگر کسی بعد از شکستن مقدار مزبور ریشه را بکند خواه مرتکب کسی باشد که مقدار نمایان دندان را شکسته است یا دیگری، ارش تعیین می شود».

تبصره ۱- شکستن مقداری از قسمت نمایان دندان به همان نسبت دیه دارد.

تبصره ۲- هرگاه قسمتی از دندان کنده شده در اثر جنایت یا عارضه‌ای قبلاً از بین رفته باشد به همان نسبت از دیه دندان کاهش می یابد».

حکم این ماده برگرفته از مفاد ماده ۴۰۸ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) می باشد که بیان می داشت: «شکستن آن مقدار از دندان که نمایان است با بقای ریشه

نیست و در چنین مواردی ملاک آن است که استخوان منفعت و کارایی خود را از دست نداده باشد و در دید عرف، ظاهری سالم داشته باشد و بتواند فعالیت را که به طور معمول با توجه به سن و سال و وضعیت بیمار مورد توقع است انجام دهد.

سؤال دیگری که قابل طرح است اینکه چنانچه در حادثه رانندگی با یک ضربه دندان فردی در قسمت نمایان آن بشکند و ریشه آن دچار لقی شود، آیا باید دیه یک دندان به جهت شکستن و همچنین دیه لقی شدن ریشه نیز پرداخت شود یا اینکه تنها دیه یک دندان باید مورد حکم قرار گیرد؟

در این خصوص می توان گفت صدر ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی بیان می دارد: «شکستن آن مقدار از دندان که نمایان است با بقای ریشه، دیه همان دندان را دارد» و در فرض سؤال، مقدار نمایان از دیه شکسته است و ریشه نیز باقی است؛ هر چند لقی شده باشد؛ بنابراین همین که بقای ریشه صدق کند، حکم نیز که صرفاً پرداخت دیه یک دندان است، می آید. مفاد ماده قانونی پیش گفته مبین آن است که اگر با یک ضربه هم قسمت نمایان دندان شکسته شود و هم ریشه دندان لقی یا حتی کنده شود، تنها دیه یک دندان باید پرداخت شود. همچنین بر اساس ماده ۵۴۳ قانون مجازات اسلامی در صورت وجود چهار شرط به صورت مجموع، دیه آسیب های متعدد با یکدیگر تداخل می کند. در فرض سؤال شرایط ذکر شده در ماده ۵۴۳ قانون مجازات اسلامی وجود دارد؛ یعنی آسیب ها که از یک نوع و در یک عضو هستند متصل بوده و از یک رفتار مرتکب به وجود آمده است؛ بنابراین دیه یک دندان باید پرداخت شود.

۸- ماده ۶۲۳ اشعار می دارد: «در کندن دندان شیری یک صدم دیه کامل ثابت

است مگر اینکه کندن آن موجب گردد دندان دائمی نروید که در این صورت باید دیه کامل دندان دائمی پرداخت شود. تبصره- شکستن، معیوب کردن و شکافتن دندان شیری موجب ارش است».



«با کنده شدن دندان دائمی دیه همان دندان ثابت می شود اگر چه دوباره در محل آن دندان دیگری بروید و مانند سابق شود و چنانچه شخصی دندان روییده شده را دوباره بکند، باید دیه کامل همان دندان را بپردازد».



ماده ۴۰۹ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) در حکمی مشابه ماده ۶۲۳ قانون مجازات اسلامی جدید مقرر می داشت: «کندن دندان شیری کودک که دیگر به جای آن دندان نروید دیه کامل آن را دارد و اگر به جای آن دندان بروید دیه هر دندان شیری که کنده شد یک شتر می باشد».

این ماده در مقام بیان چند حکم به شرح زیر است:

نخست، در کندن دندان شیری، یک صدم دیه کامل ثابت است؛

دوم، چنانچه کندن دندان موجب شود دندان دائمی نروید، دیه کامل دندان دائمی پرداخت می شود؛

سوم، شکستن، معیوب کردن و شکافتن دندان شیری موجب ارش است.

منظور از دندان شیری دندانانی است که برای نخستین بار در دهان می روید و معمولاً در سن شش ماهگی تا سه سالگی است و تعداد آنها سی عدد است. این دندان ها از سن شش سالگی شروع به لقی شدن و افتادن می کند.

پیرامون ماده مذکور این سؤال قابل طرح است که آیا منظور از یک صدم دیه کامل در این ماده، یک صدم از دیه کامل انسان (دیه نفس) است یا یک صدم از دیه کامل یک دندان؟

در اینجا به نظر می رسد در قانون مجازات اسلامی هر جا عبارت «دیه کامل» آمده است، منظور همان دیه نفس است و در مواردی که منظور دیه همان عضو یا منفعت باشد، تصریح شده است که دیه همان عضو مراد است؛ بنابراین منظور از یک صدم دیه کامل در این ماده، یک صدم از دیه نفس است. برخی فقها^(۳) نیز به صراحت بر این موضوع تأکید کرده و معتقد به لزوم یک شتر به عنوان دیه هستند. البته برخی از فقیهان نظر مخالف دارند و در این فرض قائل به ارش هستند.^(۴) قانون گذار این ماده را بر اساس دیدگاه اول تنظیم کرده است؛ بنابراین احتمال «یک صدم از یک بیستم» با هیچ یک از اقوال مطابقت ندارد.

همچنین با توجه به اینکه قانون گذار در تبصره ماده ۶۲۳ دیه سیاه شدن دندان شیری را ذکر نکرده است، آیا سیاه شدن دندان شیری مشمول ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی و محاسبه آن با بندهای «الف» و «ب» ماده ۶۱۶ همین قانون به عمل می آید؟

در پاسخ باید گفت نخست، قانون گذار در ماده ۶۲۳ قانون مجازات اسلامی تمام احکام مربوط به دندان شیری را بیان کرده است. متن ماده در مورد کندن دندان شیری است و تبصره موارد دیگر حکم را مشخص کرده است. عنوان معیوب کردن در تبصره این ماده، عنوانی کلی است که شامل هر نوع معیوب کردن از جمله سیاه کردن دندان شیری می شود؛ در نتیجه طبق تبصره ماده ۶۲۳ در سیاه کردن دندان شیری ارش لازم است. دوم، سیاه شدن دندان بر اثر جنایت، گاه



می‌شود و دارای دیه مقدر می‌باشد صحیح است و با در نظر گرفتن فروض مختلف (به فرض سالم بودن و دارای حیات بودن دندان مذکور و یا عدم حیات دندان مذکور) حکم مسئله فرقی نمی‌کند.

۱۰- ماده ۶۲۵ بیان می‌دارد: «هرگاه به جای دندان کنده شده دندان دیگری یا همان دندان قرار گیرد و مانند دندان اصلی دارای حس و حیات شود، کندن آن دیه همان دندان را دارد لکن اگر دارای حس و حیات نباشد، کندن آن موجب ضمان مالی است».

ماده ۴۱۱ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) در حکمی مشابه ماده ۶۲۵ قانون مجازات اسلامی جدید چنین مقرر کرده بود: «هرگاه دندان دیگری به جای دندان اصلی کنده شده قرار گیرد و مانند دندان اصلی شود کندن آن دیه کامل دارد».

این ماده در مقام بیان چند حکم است: نخست، هرگاه به جای دندان کنده شده دندان دیگری یا همان دندان قرار گیرد و مانند دندان اصلی دارای حس و حیات شود، کندن آن دیه همان دندان را دارد؛ دوم، اگر دندان جدید دارای حس و حیات نباشد، کندن آن موجب ضمان مالی است. دندان مصنوعی عضو بدن نیست حتی اگر در لثه کاشته شده باشد؛ و دیه ندارد بلکه تخریب آن مستوجب خسارت است.

باید توجه داشت شکستن دندان مصنوعی یا ایمپلنت شده، دیه دندان طبیعی را ندارد و شکننده باید خسارات وارده بر صاحب دندان را جبران کند.

محل آن دندان دیگری برآید و مانند سابق شود. در توجیه این حکم می‌توان گفت با کندن دندان مقتضی ضمان، دیه ثابت می‌شود و مجنی‌علیه استحقاق مطالبه دیه را دارد و رویش دندان جدید مانع از آن نخواهد بود که استحقاق مجنی‌علیه استصحاب شود.

دوم، چنانچه شخصی دندان روییده شده را دوباره بکند، باید دیه کامل همان دندان را بپردازد.

سؤال قابل طرح اینکه دندان پزشکی حدود ده سال پیش به اشتباه مبادرت به کشیدن دندان بیمار کرده و بلافاصله متوجه اشتباه خود شده و دندان را سر جایش قرار داده است و ظاهراً دندان مذکور فعلاً مشکل خاصی ندارد، لیکن بیمار پس از گذشت ده سال اعلام شکایت کرده و خواهان اخذ دیه است. پزشکی قانونی اعلام داشته است دندان ساقط شده محسوب و دارای دیه مقدر است. اکنون با در نظر گرفتن فروض مختلف (به فرض سالم بودن و دارای حیات بودن دندان مذکور و یا عدم حیات دندان مذکور و یا هر فرض دیگر) با توجه به مواد ۴۱۰ و ۴۱۱ قانون مجازات اسلامی سابق و مواد ۶۲۴ و ۶۲۵ قانون مجازات اسلامی فعلی تکلیف چیست؟

به نظر می‌رسد چنانچه دندانی کنده شود؛ هرچند همان دندان را در جای اول بگذارند، مطابق آنچه گذشت دیه همان دندان کنده شده ثابت است، اعم از اینکه به حال اول برگردد یا خیر و آنچه پزشکی قانونی اعلام داشته است که دندان ساقط شده محسوب

به منزله مردن اعصاب است و گاه به منزله خون‌مردگی داخل مینای دندان، که شامل معیوب کردن دندان می‌شود و موجب ارش است و گاه به خاطر پوسیدگی شدید دندان و فاسد شدن آن است. هرگاه دندان بر اثر ضربه سیاه شود به گونه‌ای که مطابق نظر کارشناس وجود آن در دهان کالعدم باشد، دیه کامل دندان شیری لازم است. بدیهی است در صورتی که آسیب به دندان شیری باعث عدم رویش دندان دائمی شود، افزون بر ارشی که به واسطه صدمه بر دندان شیری ثابت است، دیه فلجی دندان دائمی نیز محاسبه می‌شود و نیز اگر آسیب به دندان شیری باعث شود دندان دائم ناقص برآید، افزون بر ارشی که به واسطه صدمه بر دندان شیری ثابت است، به نسبت کمبود دندان ناقص نسبت به دندان کامل، از دیه دندان کامل نیز ثابت می‌شود.

۹- ماده ۶۲۴ اشعار می‌دارد: «با کندن شدن دندان دائمی دیه همان دندان ثابت می‌شود اگر چه دوباره در محل آن دندان دیگری برآید و مانند سابق شود و چنانچه شخصی دندان روییده شده را دوباره بکند، باید دیه کامل همان دندان را بپردازد».

ماده ۴۱۰ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) در حکمی مشابه مقرر کرده است: «دندانی که کنده شود دیه کامل دارد گرچه همان را در محلش قرار دهند و دوباره مانند سابق شود».

این ماده در مقام بیان دو حکم به این شرح است:

نخست، با کندن شدن دندان دائمی دیه همان دندان ثابت می‌شود؛ اگرچه دوباره در

پی‌نوشت‌ها

- ۱- نظریه مشورتی شماره ۷/۴۴۸۹ مورخ ۱۳۶۴/۷/۲۳ اداره حقوقی قوه قضاییه
- ۲- نظریه مشورتی شماره ۷/۹۰۹۷ مورخ ۷۷/۱۲/۲۷ اداره حقوقی قوه قضاییه
- ۳- حلبی، ابوالصلاح، کافی، اصفهان: مکتبه الامام امیرالمؤمنین (ع)، صفحه ۳۹۸؛ حلبی، ابن زهره، غنیه النزوع، قم: مؤسسه الامام الصادق علیه السلام،

- ۱۴۱۷ هجری قمری، چاپ نخست، صفحه ۴۱۸؛ ابن حمزه، الوسیله، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ نخست، ۱۴۰۸ هجری قمری، صفحه ۴۴۸؛ حلبی، حسن بن، یوسف بن مطهر، مختلف الشیعه، جلد نهم، قم: مکتب الاعلام اسلامی، چاپ نخست، ۱۴۱۶ هجری قمری، صفحه ۳۷۹
- ۴- محمدحسن نجفی، جواهرالکلام، جلد چهل و دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۷۴، صفحه ۲۸۹